

فرزندان آدم و حوا و ازدواج آن ها

رخي گفته‌اند که آدم یکصد سال پس از هبوط به زمین بر حوا درآمد که قابیل و توأم او را بزاد پس از آن هابیل و توأمش قلیما را به يك شکم بزاد آدم - علیه‌السلام- خواست خواهر قابیل را که با وي از يك شکم بود به هابیل به زني دهد و قابیل رضایت نداد. (طبري، تاريخ طبري، خلاصه صفحات 90-91)



برخي گفته‌اند که آدم یکصد سال پس از هبوط به زمین بر حوا درآمد که قابیل و توأم او را بزاد پس از آن هابیل و توأمش قلیما را به يك شکم بزاد آدم - علیه‌السلام- خواست خواهر قابیل را که با وي از يك شکم بود به هابیل به زني دهد و قابیل رضایت نداد. (طبري، تاريخ طبري، خلاصه صفحات 90-91)

برخي از دانشوران گفته‌اند: خواهر قابیل از زیباترین زنان بود و او رشك برد که خواهرش را به هابیل دهد چراکه وي را براي خود مي‌خواست. آدم به او گفت: پسر من خواهر همتاي خودت براي تو حلال نیست ولي او اين سخن را از پدر نپذیرفت. پدرش به او گفت: پسر من تو يك قرباني به درگاه خدا بردار. هابیل نیز يك قرباني به درگاه خدا بردارد، هر کدام از شما که خدا قرباني‌اش را پذیرفت به شوهري براي اين دختر سزاوارتر است.

قابیل کشاورزي مي‌کرد و هابیل دامداري. قابیل دسته‌اي گندم به سان قرباني آورد و هابیل گوسفندي جوان از گوسفندان گله ي خود. خداوند آتشي سفید فرستاد که قرباني هابیل را بر جاي گذاشت در آن هنگام آيين خدايي چنين بود که قرباني بدین گونه پذیرفته مي‌شد. خدا قرباني هابیل را پذیرفت اين خود فرماني بود که او شوهر خواهر زيباي قابیل گردد.

قابیل خشمگین شد و او را خودپسندی فرو گرفت و دیو بر او چیره شد و او به برادر خود گفت: بي‌گمان تو را خواهم کشت تا خواهر مرا به زني نگیری. هابیل گفت: همانا خداوند کردار پرهیزکاران را مي‌پذیرد و بس. قابیل به دنبال هابیل روان گشت و او را به هنگام شباني از دام هایش کشت. (ابن‌اثیر، تاريخ کامل ایران، ص 47- دفتر ي فرد، چکیده ي عظمت خلقت، خلاصه ي صفحات 38 و 39)

این داستان در سوره مائده آیات 27 تا 31 چنین آمده است: «هابیل گفت: اگر دستت را بسوي من بگشايي که مرا بکشي من دست خویش به سوي تو باز نمي‌کنم که ترا بکشم» تأکیدی که در این آیه وجود دارد مي‌رساند که او بسیار از فکر قتل برادر دور بوده و هرگز چنين تصميمي ندارد و خيالش را هم نمي‌کند و به دنبال کلام علتی هم ذکر نموده و گفته است من از خدا پروردگار جهانيان خوف دارم. من مي‌خواهم که تو گناه من و گناه خویش را ببري و از آتشیان شوي و این است پاداش ستمگران! دلش او را به کشتن برادر رام کرد و او را کشت و از زبان کاران شد. (طباطبائي، ترجمه ي المیزان، ص 463، ج 5) خدا زاغي را فرستاد که در زمین مي‌کاويد تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر را پيوشاند گفت: واي بر من از این هم درمانده‌ام که چون این زاغ باشم و جسد برادر مرا پنهان کنم از پیشیمانان شد. (طباطبائي، ترجمه ي المیزان، ص 477، 478، ج 5)

اما در مورد چگونگی تکثیر نسل آدم و حوا سه عقیده ابراز شده است:

1- آدمیان با ازدواج فرزندان آدم با یکدیگر تکثیر شدند، زیرا در آن زمان این امر جایز بود. تحریم ازدواج خواهر و برادر از احکام ادیان است و در آن زمان دینی نبوده و اولین احکام که برای انسان فرود آمد. چنان که از قرآن و روایات وارده برمي‌آید، آیین نوح بود و اگر هم فرض کنیم که چنين احکامي در زمان آدم وجود داشته‌اند، بسیاری از تکالیف و مسائل مهمّ اصول و فروع دین هستند که در موقعیّتي خاص طرح یا انجام آن ها آسان نیست و یا به عبارت دیگر معیارهاي منطقي و عقلي ثابت و مستقل، همیشه داراي کاربردنيستند و مسئله‌ي تحریم ازدواج بين خواهر و برادر هم از این گونه امور به شمار مي‌رود، زیرا «اضطرار» تحریم را از بين مي‌برد چنان که گاهي امر واجب را از عهده ي انسان برمي‌دارد و در این مورد روایاتي نیز وارد شده است.

2- فرزندان آدم با حوریان بهشتي یا با «اجّه» ازدواج کردند و بدین ترتیب نسل آدم و حوا باقي ماند.

3- ازدواج بين فرزندان آدم با ساير افراد ذکور و اناث از نوع انسان که آن زمان وجود داشتند صورت گرفته است، و این عقیده براساس اعتقاد به «تکامل» صادق است. (مشکيني اردبيلي، تکامل در قرآن، صص 50 و 51)

از ظاهر اطلاق آیه ي «و بتّ منهما رجلاً كثيراً و نساء...» (النساء/1)

مي‌توان فهمید که نسل موجود انسان تنها به آدم و زنش بر مي‌گردد.

و نر و ماده ي دیگری در این ماجرا شرکت نداشته؛ و قرآن منشأ انتشار افراد انسان را تنها همان زوج اولیّه مي‌داند و اگر موجود دیگری هم در کار مي‌بود لازم بود که چنين بفرماید، « از آن دو و غير از آن دو انسان را منتشر کردیم»

و معلوم است که مبدأ نسل اگر منحصر به آدم و زنش باشد ناچار باید پسران آدم و حوا با خواهران خود ازدواج کرده باشند براي حلّ مطلب لازم است بگوئیم:

که اصولاً این حکم يك حکم تشريعي است و تابع مصالح و مفاسد است. و حکم تکويني نیست که قابل تفسیر نباشد، زمام چنين حکمي به

دست خداوند است. او هر چه بخواهد می‌کند و هر چه اراده فرماید فرمان می‌دهد. بنابراین ممکن است روزگاری که ضرورتی در کار است آن را حلال کند، و سپس آن را حرام فرماید چه آن که دیگر ضرورتی در تشریح آن نبوده به علاوه باعث شیوع فحشا و فساد در جامعه می‌شده است. اگر گفته شود که این ازدواج برخلاف فطرت است در صورتی که آن چه خداوند تشریح می‌فرماید لازم است که منطبق بر فطرت باشد و این خداوند است که در خود قرآن می‌فرماید «قَاقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي قَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (الروم/30)

جواب می‌گوییم که: متمایل نبودن طبع به این نوع ازدواج نه از آن جهت است که از آن تنقیر دارد بلکه این عدم تمایل از آن جهت است که ازدواج خواهر و برادر موجب اشاعه ی فحشا و اعمال زشت و از بین رفتن غریزه ی عفت می‌داند؛ و معلوم است که این نوع ازدواج در جامعه‌ی جهانی امروز است که عنوان فجور و فحشا دارد، اما در جامعه ی آن روز که فقط چند خواهر و برادر را شامل می‌شده و مشیت خداوند هم چنین تعلق گرفته که عده آن‌ها زیاد شده و منتشر گردند، هرگز عنوان فجور و فحشا بر آن منطبق نبوده است و دلیل آن که فطرت تنقیر غریزی از این نوع ازدواج ندارد، آن است که ازدواج خواهر و برادر برای مدتی در بین مجوس شایع بوده است. (طباطبائی، خلقت و خلافت آدم در المیزان، خلاصه‌ی صفحات 40 و 41)

اکرم میرزائی

منابع و ماخذ :

- 1- طبري، محمدبن‌حريز، 1375، تاريخ طبري، مترجم: ابوالقاسم پاينده تهران، انتشارات: اساطير، چاپ: دييا ، چاپ: پنجم
- 2- ابن‌اثير، عزّالدين، 1370، تاريخ كامل ايران، مترجم: محمدحسين روحاني انتشارات: اساطير، جلد اول
- 3- طباطبائي، محمدسين، 1363، ترجمه الميزان، مترجم: محمدباقر موسوي همداني، انتشارات: مركز نشر فرهنگي رجا و مؤسسه انتشارات اميركبير
- 4- مشكيني اردبيلي، علي، 1370، تكامل در قرآن، ترجمه: ق ، حسين‌نژاد ، انتشارات: دفتر نشر فرهنگ اسلامي ، چاپ: دوم
- 5- طباطبائي، محمدحسين، خلقت و خلافت آدم در الميزان، گزينش شمس الدين، ربيعي، تهران، انتشارات: نور فاطمه، چاپ: رودكي